

بررسی و تحلیل شیوه‌های تعقل از دیدگاه ویکو و دلالت‌های آن در حوزه آموزش فلسفه

حسین زمانیه^۱

مقدمه:

جیامباتیستا ویکو^۲ (۱۷۴۴-۱۶۶۸) فیلسوف ایتالیایی است که اندیشه‌های وی برای مدت‌ها حتی در مغرب زمین ناشناخته بود. اولین کتابی که در باره اندیشه ویکو به زبان انگلیسی نوشته شد، کتابی بود با نام "ویکو" (۱۸۸۴) نوشته روبرت فلینت^۳. بندیتو کروچه^۴ (۱۸۶۶-۱۹۵۲) دیگر فیلسوف ایتالیایی در کتاب خود با عنوان "فلسفه ویکو" (۱۹۱۱) به معرفی اندیشه‌های وی پرداخت. ترجمه انگلیسی این کتاب به وسیله کالینگوود (۱۹۱۳) از جمله اولین کتابهایی است که در معرفی اندیشه‌های ویکو به جامعه انگلیسی موفق بود. اما از آنجا که در این کتاب کروچه سعی می‌کند تفسیری هگلی از ویکو ارائه دهد، برخی از جنبه‌های تفکر وی که معطوف به فلسفه تاریخ است بیشتر مورد توجه واقع شد و برخی دیگر از زوایای اندیشه‌های وی در حاشیه قرار گرفت.

مهمترین اتفاقی که در ابتدای نیمه دوم قرن بیستم باعث اقبال روز افزون به اندیشه‌های ویکو شد، سخنرانی‌های ایزا برلین در انستیتوی فرهنگی ایتالیا در لندن در دهه ۱۹۵۰ میلادی بود. مجموعه این سخنرانی‌ها زیر نظر وی با نام "ویکو و هردر" در سال ۱۹۷۰ میلادی چاپ شد و همین اثر به علاوه ترجمه برخی کتابهای ویکو از جمله "دانش نو" به زبان انگلیسی فصل جدیدی را در مطالعات اندیشه‌های ویکو گشود تا جایکه امروزه حلقه‌های مطالعاتی و آثار فراوانی برای تبیین و تفسیر اندیشه‌های وی به وجود آمده و در محافل فلسفی غرب از ویکو به عنوان یک فیلسوف طراز اول یاد می‌شود.

بیان مسأله:

هدف ما در این مقاله توصیف و تحلیل شیوه‌های تعقل از دیدگاه این فیلسوف ایتالیایی و نقش آن در حوزه تعلیم و تربیت است. سپس سعی خواهیم کرد تا از این منظر سیستم آموزش فلسفه در جامعه خود را مورد نقد قرار دهیم. ویکو در دو کتاب عمده خود یعنی "در باب روشهای آموزش در زمان ما" و "دانش نو" به معرفی دیدگاه خود در باب روشهای تعقل می‌پردازد. وی در کتاب "دانش نو" که می‌توان آن را مهمترین اثر ویکو دانست. با نگاهی تاریخی به بررسی روشهای تعقل پرداخته و دوره‌های مختلف تاریخ را با شکلهای متفاوت تعقل متناظر می‌داند. وی در نظریه فلسفه تاریخ خود تاریخ را به سه دوره اصلی یعنی عصر خدایان، عصر قهرمانان و عصر انسانها تقسیم می‌کند. از نظر وی عصر خدایان متناظر با نوعی از تفکر و تعقل است که وی از آن با نام تفکر یا حکمت شاعرانه یاد می‌کند. ویژگی این شیوه از تعقل بهره‌گیری آن از عنصر خیال است. از نظر ویکو در این شیوه از تعقل عنصر خیال نقش اصلی و اساسی را ایفاء می‌کند لذا می‌بینیم که در عصر خدایان که عصر تاریخ کهن بشری است اقوام و ملل مختلف از اسطوره‌ها، نمادها و نقوش متفاوت برای بیان افکار و مقاصد خود استفاده می‌کنند که در همه آنها نوعی آمیختگی واقعیت با خیال مشاهده می‌شود.

^۱ - استادیار گروه فلسفه و حکمت دانشگاه شاهد، ابتدای اتوبان تهران قم نرسیده به عوارضی، روبروی حرم امام (ره)، دانشگاه شاهد. Zamaniha@gmail.com

^۲ - Vico, Giambattista

^۳ - Flint Robert

^۴ - Croce, Benedetto

به مرور زمان تفکر شاعرانه رو به ضعف گذاشته و اندک اندک تفکر نقادانه جای خود را به تفکر شاعرانه می دهد. با ظهور و بروز تفکر نقادانه رفته رفته خدایان خیالی انسانها رنگ می بازند و قهرمانان انسانی که دیگر جایگاه آسمانی نداشته و صرفاً موجوداتی این جهانی اند جای آنها را می گیرند. در این دوره هر چند تفکر شاعرانه رو به افول است اما هنوز بارقه هایی از آن در افسانه های حماسی قهرمانان که حالا دیگر جای اسطوره های خدایان را گرفته اند دیده می شود.

در دوره سوم یعنی دوره انسانها تفکر نقادی به اوج خود رسیده و تفکر شاعرانه به محاق می رود. در این دوره دیگر از خدایان و قهرمانان انسانی خبری نیست. هر انسانی خود را معیار و ملاک حقیقت دانسته و به خود جرأت می دهد همه چیز را مورد نقد قرار دهد. از دید ویکو تفکر انتقادی ابزار عوام برای قدرت گرفتن در برابر قهرمانان است. اما این شیوه از تفکر، آن اتحاد فرهنگی را که نتیجه تفکر شاعرانه است از بین می برد. تفکر نقادانه متناظر با نوعی شکاکیت است که رفته رفته به نوعی هرج و مرج در عرصه تفکر می انجامد. وی تفکر دکارتی را اوج تفکر نقادانه دانسته و از همین منظر به نقد شیوه تفکر دکارتی می پردازد. تفکری که در آن عنصر خیال نقشی نداشته و مبتنی بر نقادی صرف است.

وی در اثر دیگر خود یعنی " در باب روشهای آموزش در زمان ما " به نقد شیوه های آموزش در اروپای زمان خود می پردازد. به نظر وی در آن دوره سیستمهای آموزشی در اروپا به شدت تحت تأثیر روش تفکر نقادانه دکارتی است. در این شیوه از آموزش ریاضیات و منطق نقش اول را بازی کرده و جایی برای تفکر شاعرانه و پرورش این شیوه از تفکر وجود ندارد. به نظر وی هر چند تفکر شاعرانه شیوه تفکر اقوام پیشین است اما صرفاً به این بهانه نمی توان این شیوه از تفکر را در زمان حال به کلی نادیده گرفت. وی بر این باور است که این شیوه از تفکر به خودی خود بیانگر بعد دیگری از ظرفیت تعقل و تفکر در انسان است که تفکر نقادانه دکارتی به کلی از آن غافل است.

ویکو بر این باور است این قوه خیال است که می تواند ارتباط و اتصال بین حوزه های مختلف تفکر و دانش بشری را برقرار سازد و راه را برای ابداع و ابتکار در هر حوزه از دانش بشری هموار سازد. به عبارت دیگر تفکر شاعرانه به دلیل بهره گیری از عنصر خیال واجد نوعی آینده نگری و فراروی است که تفکر نقادانه فاقد آن است. تفکر شاعرانه به دلیل همین ویژگی، همواره افقهای جدیدی را فراروی بشر می گشاید و از ایستایی و سکون تفکر جلوگیری می کند. لذا از دید ویکو تفکر شاعرانه نه شیوه ای کاملاً جدا از تفکر نقادانه بلکه مکمل و محرک آن است.

ویکو بر این باور نیست که باید تفکر نقادانه را به کلی کنار گذاشت، بلکه به نظر وی، یک نظام آموزشی کامل نظامی است که هر دو بعد تفکر را در دانشجو پرورش دهد. نقد وی نیز بر نظام آموزشی در اروپای زمان خود بیشتر از این منظر است که در این نظام رفته رفته تحت تأثیر اندیشه های دکارت و مفسرین وی تفکر شاعرانه به فراموشی سپرده شده است.

بنا بر آنچه گفته شد، تفکر شاعرانه مکمل تفکر نقادانه است. لذا از آنجا که در فلسفه با تفکر و تعقل به ناب ترین معنای آن سرو کار داریم، هر نظام آموزش فلسفه باید همزمان به پرورش و تعالی این دو بعد از اندیشه و تفکر توجه داشته باشد. نظام آموزشی که صرفاً به تفکر نقادانه بها داده و صرفاً به پرورش این جنبه از تفکر پردازد، نظامی عقیم است که در آن قوه نو آوری و ابتکار دانشجویان پرورش نیافته و در نهایت چنین نظامی نمی تواند منجر به نظریه پردازی و ابداع شود. از طرف دیگر عدم توجه به تفکر نقادانه و پرداختن صرف به تفکر شاعرانه نیز باعث می شود تا فلسفه از هویت اصلی خود یعنی دانش مبتنی بر استدلال و برهان دور شده و به ادبیات و هنر نزدیک شود.

بر این اساس می توان گفت در آموزش فلسفه هم باید به آموزش منطق و ریاضیات که در پرورش قوه نقادی دانشجو کمک می کند بها داده شود و هم به آموزش هنر و ادبیات که قوه خیال دانشجو را به رشد و تعالی می رساند. اما به راستی در نظام آموزشی ایران هنر و ادبیات چه جایگاهی در آموزش فلسفه دارند؟

به نظر نگارنده تفکر فلسفی واجد دو مرحله اصلی است ۱- تحلیل ۲- تألیف در مرحله تحلیل فیلسوف سعی می کند تا با تحلیل دقیق مفاهیم و اندیشه های موجود و نقد آنها کارآیی یا عدم کارآیی سیستمهای فلسفی موجود را مورد قضاوت قرار دهد. در این مرحله فیلسوف به عنوان یک داور بی طرف سعی می کند تا به تحلیل و نقد اندیشه های فلاسفه پیشین بپردازد. در این مرحله تفکر نقادانه، اصل و مبنای تفکر فلسفی قرار می گیرد اما در مرحله بعد فیلسوف سعی می کند تا سیستم جامع تری ارائه دهد که در عین اینکه از ظرفیتهای سیستمهای پیشین بهره می گیرد، بتواند پاسخگوی سؤالاتی باشد که سیستمهای پیشین از عهده آن بر نیامده اند. در این مرحله است که تفکر شاعرانه می تواند به کمک فیلسوف بیاید و راه را برای نوع آوری و ابتکار باز کند.

به عنوان یک نمونه عالی از این روند که هم مبتنی بر نقادی استادانه و هم مبتنی بر ذوق و قریحه شاعرانه است می توان به نظام فلسفی ملاصدرا یعنی همان حکمت متعالیه اشاره کرد. وی در نظام فلسفی خود هر دو رکن تفکر فلسفی را به خوبی نمایان می سازد. وی در مقام نقد، نقادی چیره دست است که اندیشه تمامی متفکرین و فلاسفه پیش از خود را به بوته نقد می کشد اما در عین حال ذوق و قریحه سرشار وی باعث می شود که افقهای جدیدی را بر روی تفکر بشری بگشاید، افقهایی که بدون داشتن چنین ذوق و قریحه ای دست یافتن به آن امکان پذیر نبود.

در پایان به نظر می رسد، آموزش فلسفه در ایران، در عین اینکه نسبت به تفکر شاعرانه و نقش آن در تکامل تفکر فلسفی کاملاً بی توجه است، در پرورش تفکر نقادانه نیز تا حدود زیادی ناموفق است. یکی از ارکان تقویت تفکر نقادانه در بین دانشجویان فلسفه، آموزش ریاضیات است در حالی که دانشجویان فلسفه در کشور ما اصولاً با ریاضیات بیگانه اند و جالب اینکه دانشجویان رشته فلسفه در کشور ما علی القاعده از دانش آموزان علوم انسانی انتخاب می شوند که اتفاقاً یکی از دلایل ورود آنها به حوزه علوم انسانی، ضعف آنها از ریاضیات است.

پرسش های پژوهش:

- ۱- شیوه های تعقل از دید ویکو کدامند و هریک بر چه عنصری تکیه می کنند؟
- ۲- نظریه ویکو در باب شیوه های تعقل واجد چه دلالتهایی در حوزه آموزش فلسفه است؟
- ۳- بر اساس نظریه ویکو چه نقد عمده ای به نظام آموزش فلسفه در ایران وارد است؟

روش پژوهش:

تحقیق حاضر یک تحقیق کیفی است که از طریق تحلیل مبانی معرفتی ویکو سعی دارد تا به سؤالات فوق الذکر پاسخ دهد.

نتایج پژوهش:

۱. ویکو در فلسفه خود به دو شیوه عمده تفکر اشاره می کند که این دو شیوه عبارتند از: تفکر شاعرانه و تفکر نقادانه که تفکر نقادانه مبتنی بر توانایی عقل در تجزیه، تحلیل و نقد مباحث است در حالیکه تفکر شاعرانه مبتنی بر عقلی است که از قوه خیال بهره می گیرد و هدف آن نه تحلیل بلکه تألیف یا یافتن ارتباط بین مسائل و موضوعات و حوزه های متفاوت است.

۲. بنا بر نظریه ویکو در هر نظام آموزشی و به طور خاص در آموزش فلسفه باید به پرورش و تعالی هر دو بعد عقل بشر یعنی تفکر انتقادی و تفکر شاعرانه توجه شود. لازمه پرورش تفکر نقادانه آموزش منطق و ریاضیات و لازمه پرورش تفکر شاعرانه آموزش ادبیات و هنر و توجه به شیوه تعقل گذشتگان است.
۳. برنامه آموزش فلسفه در دانشگاه‌های ایران در عین غفلت کامل از تفکر شاعرانه نسبت به پرورش تفکر نقادانه و لوازم آن نیز تا حدود زیادی کم توجه است.

منابع :

- Berlin, I. (1980). *Vico and Herder Two studies in the History of Ideas*. London: Chatto & Windus.
- Croce, B. (2007), *the Philosophy of Giambattista Vico*. Tr. R.G. Collingwood, USA: Transaction Publishers
- Descartes, R. (1958). *Philosophical Writings*. Tr. N. K. Smith. NY: The Modern Library.
- Vico, G. (1948). *the New Science*. Tr. Thomas Godard Bergin and Max Harold Fisch. Ithaca, NY: Cornell University .
- Vico, G. (1990). *On the Study Methods of Our Time*. Tr. Elio Gianturco. Reissued with a Preface by Donald Phillip Verene, and including “The Academies and the Relation between Philosophy and Eloquence,” Translated by Donald Phillip Verene. Ithaca, N.Y: Cornell University Press.
- Vico, G. 1988. *On the Most Ancient Wisdom of the Italians Unearthed from the Origins of the Latin Language*. Including the Disputations with the *Giornale de' Letterata d'Italia*. Translated with an Introduction and Notes by L. M. Palmer. Ithaca and London: Cornell University Press.